

## اطناب، شاخصه سبکی نظامی در مخزن الاسرار

(ص ۹۵-۸۱)

احمد تمیم داری<sup>۱</sup>، حمیدپولادی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

### چکیده

اطناب در کنار ایجاز و مساوات، یکی از سه شیوه بیانی است که در علم معانی از آن سخن به میان آمده است. چنان که میدانیم این شیوه از بیان، خود دارای دو گونه هنری و ممل میباشد. اطناب هنری برخلاف اطناب ممل (که از ارزش اثر ادبی میکاهد) در واقع از مهمترین و مؤثرترین شگردهای سخن‌پردازی است که شاعران از رهگذر آن به آثار خویش جلوه‌ای ادبی و شاعرانه می‌بخشند.

یکی از آثاری که هر دو گونه اطناب کم و بیش در آن کاربرد دارد، مخزن الاسرار حکیم نظامی گنجوی است. البته با توجه به بررسیهای انجام شده باید گفت؛ اگرچه در این منظومه از اطناب ممل - که بیشتر در حوزه معنایی و تکرار موضوعات به چشم می‌خورد - نیز میتوان نشانی جست؛ اما قدر مسلم اطناب هنری - که بیشتر با شگردهایی همچون: تمثیل، تکرار و توصیف همراه است - از بسامد و کاربرد بیشتری برخوردار میباشد. لذا ما در این مقاله با بررسی این منظومه از این دیدگاه، سعی بر آن داریم تا به تحلیل یکی از برجسته‌ترین شاخصه‌های سبکی نظامی پردازیم تا میزان قدرت و خلاقیت این شاعر بزرگ ادب فارسی را در این عرصه وانماییم.

### کلمات کلیدی

اطناب، شاخصه سبکی، نظامی گنجوی

۱. استاد دانشگاه علامه طباطبایی [ahmad.tamindari@yahoo.com](mailto:ahmad.tamindari@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی [h.poladi@yahoo.com](mailto:h.poladi@yahoo.com)

## مقدمه

اگر از دیدگاه علم معانی نگاهی به متون برجسته ادب فارسی از گذشته تا حال بیفکنیم، بخوبی این نکته را درمی‌یابیم که در هر یک از این آثار همواره رابطه تنگاتنگی بین الفاظ یا زبان به کار گرفته شده و نوع معانی مطرح شده، وجود دارد. چنانکه در کتب علم معانی نیز آمده است؛ این رابطه لفظ و معنا یا به عبارت دیگر این چگونگی بیان معانی مختلف در قالب الفاظ، از سه حال بیرون نیست: ایجاز، مساوات و اطناب.

از سوی دیگر، از آنجا که مقصود هر گوینده‌ای از کلام خویش بی‌گمان تأثیر و نفوذ هر چه بیشتر آن در ذهن مخاطب است؛ لذا طبق آنچه که علمای علم معانی می‌گویند؛ هر یک از این سه شیوه بیان معانی تنها زمانی از معیار فصاحت و بلاغت (یا همان تأثیر در نفوس) برخوردار است که بنا بر مقتضای حال مخاطب و موضوع و مقام کلام باشد. «اگر بلاغت را کیفیت مطابقت سخن به اقتضای حال خطاب بدانیم و این اقتضای حال خطاب را با توسع معنی حال، مجموعه مناسبتهای و احوالی بدانیم که بر یک ارتباط کلامی حاکم است، آنگاه میتوانیم شیوه بیان مناسب برای هر یک از انواع شعر را پیش‌بینی کنیم. شیوه بیان مناسب شیوه‌ای است که ضمن برآوردن مقصود از اقسام هر نوع شعر تأثیر و نفوذ شعر را بر مخاطب تشدید میکند.» (در سایه آفتاب، پورنامداریان: ص ۳۱).

با توجه به این مسائل به طور کلی می‌توان گفت میزان کاربرد و کارکرد این سه شیوه بیانی، علاوه بر نوع مخاطب آن، بسته به این که اثر منظوم است یا منثور؛ ادبی است یا غیر ادبی و این که به چه سبکی نگاشته شده است، متفاوت است. از آنجا که بررسی هر سه شیوه یاد شده نیاز به مجال بیشتری دارد و همچنین خارج از موضوع این مقاله است؛ ما در ادامه بناچار تنها به بحث درباره شیوه اطناب می‌پردازیم.

## اطناب

اطناب در لغت به معنی درازی و بلندی و در اصطلاح ادبی: «دراز سخنی است که معنی اندک و الفاظ بسیار باشد، ضد ایجاز.» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۰۴).

اطناب را میتوان از دو جنبه بررسی نمود؛ یکی لفظی و دیگری معنایی.

**اطناب لفظی:** که در آن طرز سخن یا همان لفظ بر معنا برتری دارد. شاعر اگرچه اندیشه‌ای یا مطلبی را بیان میکند ولی لفظ و چگونگی بیان آن برای او به مراتب مهمتر است. به عبارت دیگر اندیشه یا پیام در شعر این دسته از شاعران صورتگرا دوشادوش و همراه و همگام با لفظ حرکت نمیکند و همواره با غلبه لفظ بر معنا همراه است. افراط در

این امر تا جایی است که در برخی از شاعران این سبک از سخن، اصولاً خبری از معنا نیست و یا معنا بسیار اندک و پیش پا افتاده است که در ابیات فاخر و متعدد به جلوه‌های گوناگون ظهور میکند. چرا که آنچه مورد نظر شاعر است تناسب و زیبایی واژه‌ها و تراکیب و جملات و یا همان صورت شعر است. یوسفی در نکوهش این صورتگرایی افراطی در نقد اشعار فرخی سیستانی مینویسد: «این سخنان حاصل ژرف اندیشی حکیمانه نیست... تعلیمی، نکته‌ای، عبرتی، اندیشه عمیقی، در قصاید فراوان وی به نظر نمیرسد که فکر و روح ما را سیراب کند... شعر بسیاری از مدیح سرایان چنین است.» (فرخی سیستانی، یوسفی: ص ۴۸۸). البته همانطور که گفته شد، اطناب لفظی و توجه به زیباییهای ظاهری کلام اگر به اندازه و طبق مقتضای کلام و مخاطب باشد؛ نه تنها از اهمیت معنا نمیکاهد بلکه بر تأثیر آن می‌افزاید.

**اطناب معنایی:** که بیشتر در توضیح، تأکید، تفسیر و یا تعریف مطلبی برای مخاطب کلام و یا بیان احساسات و عواطف شاعر به چشم می‌خورد. که در این صورت اطناب با توجه به موضوع آن و با توجه به اقتضای حال مخاطب حتماً مفید فایده‌ای است. قصد شاعر تأثیر بیشتر و اقناع یا همسو نمودن ذهن مخاطب درباره مطلبی است که بیان میکند.

اطناب در «لفظ و معنا» را نیز به اعتبار نوع مخاطب و مقتضای کلام میتوان از دو

دیدگاه بررسی نمود:

۱- اطناب ممل (یا غیر ادبی و ناپسند): «آن است که دراز سخنی چندان باشد که موجب ملالت و دلزدگی شنونده و خواننده گردد.» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۰۴).

۲- اطناب هنری (یا ادبی و پسندیده): دراز سخنی است ادبی و هنرمندانه که همچون ایجاز پسندیده است. چرا که «در زبان ادبی از اطالۀ کلام و اطناب و تکرار خسته نمی‌شویم بلکه از آن لذت می‌بریم» (کلیات سبک شناسی، شمیسا: ص ۸).

باید گفت اطناب ممل بیشتر در آثار غیر ادبی و در ساخت معنایی آن به چشم می‌خورد. در حالی که در اثر ادبی اطنابها (همچون ایجاز) غالباً هنری است و کارکردهای گوناگونی (چون: آفرینش هنری و خلق زیبایی ادبی و در پی آن تأثیرگذاری هرچه بیشتر کلام در مخاطب و برانگیختن شیفتگی و شگفتی او) را در برمیگیرد. در واقع میتوان گفت علت خوشایندی اطناب در عالم ادبیات رابطه مستقیمی با موضوعات مطرح شده نیز دارد چرا که «مطالب ادبی که عمدتاً بیان عواطف و احساسات از قبیل عشق و نفرت و مرگ و زندگی... است خود به خود شیرین و دلپسند و موثر است.» (معانی، شمیسا: ص ۱۴۶). از اینرو در یک اثر ادبی، بدون تردید در جایگاهها و مواضعی از سخن، اطناب و درازسخنی حتی بسیار مؤثرتر و دلپذیرتر از ایجاز و کوتاه سخنی است. چنانکه ابن قتیبه میگوید: «ایجاز در همه»

موارد پسندیده نیست زیرا هر مقامی را مقالی است اگر ایجاز در هر نوع کلامی مقبول بود خداوند آن را در سراسر قرآن به کار میبرد در صورتی که چنین نیست و در قرآن گاه اطاله است برای تأکید و گاه حذف برای ایجاز و گاه تکرار برای افهام<sup>(۹)</sup> «ادب الکاتب، ابن قتیبه: ص ۹».

با توجه به مسائل مطرح شده ما در ادامه به بررسی اطناب و شیوه‌های گوناگون آن در مخزن الاسرار میپردازیم؛ تا پاسخگوی این پرسش باشیم که آیا اطنابهای موجود در این منظومه بیشتر از نوع هنری است یا ممل؟ آیا بیشتر در لفظ صورت میگیرد و یا در معنا؟ و اینکه شیوه‌های خاص نظامی در اینگونه از اطنابها چیست؟ و او بیشتر از کدام شگرد در این امر بهره میجوید؟

### اطناب ممل در مخزن الاسرار

۱- تکرار موضوعات: این اطناب در مخزن الاسرار بیشتر در حوزه معنایی یا به عبارت دیگر تکرار و تطویل موضوعات مطرح شده در مقدمات و مقالات بیستگانه به چشم میخورد که با در نظر گرفتن حجم اندک منظومه از سویی و با توجه به شیوه شاعری نظامی و اصرار همیشگی او بر ایجاز و عدم تکرار و تطویل از سوی دیگر؛ بسیار مایه شگفتی است که او در این منظومه کوتاه (که به گفته خود او بار و بنه آن در مقایسه با حدیقه سنایی بسیار کمتر است) چگونه تن به این تکرارهای ملال آور داده است. البته این نکته گفتنی است که «تمامی کتب بزرگ الهی و بشری برای نفوذ پیام خویش در دلها و خردها از دو اصل سترگ هنری سود برده‌اند نخست تکرار مطالب و موضوعات برای جایگزینی و رسوخ در اعماق دلها و ذهنها... دوم تنوع مطالب.»<sup>(۱۰)</sup> (سیمرغ در جستجوی قاف، محبتی: ص ۲۷۸) و نیز اینکه بی هیچ تردیدی دلزدگی و ملال آوری این تکرارها و اطنابهای معنایی در مخزن الاسرار در سایه زبان تصویری و پرجاذبه نظامی و مضمون آفرینیهایی نو به نو، تا حدود زیادی کمرنگ گردیده است. ولی به هر حال با توجه به موضوع مقدمات و مقالات، به این موارد از اطناب ممل در مخزن الاسرار میتوان اشاره نمود:

۱- تکرار مناجات یکی «در قهر و سیاست یزدان»<sup>(۷)</sup> و دیگری «در عفو و بخشایش یزدان»<sup>(۱۰)</sup>.

۲- تکرار نعت حضرت رسول(ص) (در پنج نعت جداگانه که معراجنامه را نیز باید به آن افزود) (صص ۲۰-۱۲).

### ۳- تکرار موضوعات و مضامین مقالاتها

الف- *مقاله نهم* (ترک مثنوات دنیوی)، *مقاله یازدهم* (در بی وفایی دنیا)، *مقاله دوازدهم* (در وداع منزل خاک)، *مقاله سیزدهم* (در نکوهش جهان) که همگی حول یک موضوع یا یک

درونمایه واحد و مضمون مشترک میگردند. «البته این تکرار موضوع... ناشی از جهان بینی شاعر است و اعتقادی که او به ترک دنیا و زیستن با قناعت و وارستگی دارد و این از جمله تعلیمات او در مجموعه خمسه است. گویی او نیز همانند ناصر خسرو می خواهد با چماق تکرار اندیشه خود را در مغز مخاطب و خواننده جای دهد.» (کعبه جان، یوسفی: ص ۱۱۲).

ب- *مقاله پانزدهم* (در نکوهش رشکبران)، *مقاله هجدهم* (در نکوهش دورویان)، *مقاله بیستم* (در وقاحت ابنای عصر) که در هر سه مقاله با یک موضوع مشابه روبرو هستیم.

## ۲- گفتگوی شخصیتها

یکی دیگر از موارد اطناب ممل در مخزن الاسرار، اطنابی است که در گفتگوی شاعر با خود و یا گفتگوی شخصیتهای داستانها و حکایتهای مابین مقالاتها، بخوبی نمایان است. بطوری که گاهی تمام یا اکثر ابیات حکایتی را تنها همین گفتگوها در برمیگیرد که در برخی موارد بسیار ملال آور است. نظامی اصولاً «گاهی حکایت را به نوعی گفت و شنود تبدیل میکند که رنگ روایت دارد و هیچ کردار و حرکتی در روایت نیست» (پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد، زرین کوب: ص ۵۸). البته این بدان معنا نیست که این بخش از اشعار او همچون سایر ابیات منظومه، خالی از تصویرپردازی و یا بطور کلی صور خیال باشد.

این گفتگوها را میتوان به سه دسته تقسیم کرد:

الف- *گفتگوی بین شخصیتهای اصلی داستان*: این گونه از اطناب نه تنها خصیصه‌ای است مختص داستانهای غنایی نظامی (مانند خسرو و شیرین و لیلی و مجنون) - که با درونمایه آن نیز کاملاً متناسب است - بلکه در داستانهای کوتاه مخزن الاسرار نیز مشاهده میشود. در مورد این گفتگوها این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که این گفتگوها که غالباً مبتنی بر سؤال و جواب میباشند و بیشتر برای روشن شدن مطلبی و یا مقایسه‌ای صورت میگیرد و در آن کمتر اندیشه‌ای بیان میگردد و یا به تبیین و شرح آن پرداخته میشود.

برای مثال میتوان به این داستانها اشاره کرد:

- گفتگوی پادشاه نومید با دادگری در خواب در *مقاله اول* (ص ۷۵)

- پادشاه ظالم با مرد راستگوی در *مقاله چهارم* (ص ۱۴۷)

ب- *گفتگوهای نظامی با خود*: نوع دیگری از گفتگوها در واقع تک گوئیهایی است که نظامی با دل خویش انجام میدهد. گاهی این گفتگوها در خلال مقالاتها و یا اواخر داستانها روی میدهد. ولی قسمت قابل توجه آن در خلوتهای شبانه‌ای صورت میپذیرد که شاعر با دل خود گفتگوهایی طولانی پیش میگیرد و آن را مورد خطاب قرار میدهد. این گونه

گفتگوهای طولانی با نفس حتی در حدیقه سنایی و اسرارنامه عطار (که تشابهات بسیاری از دید ساختاری و محتوایی با یکدیگر دارند) نیز به چشم نمیخورد.

ج- گفتگوی شخصیت‌های داستان با خود: این گونه نیز اطنابی است که از گفتگوی شخصیت‌های داستان با خود بوجود می‌آید. برخی از این تک‌گوئیا کوتاه و در چند بیت و برخی نیز به بیش از ده بیت میرسد. که این خود با توجه به کوتاهی عمومی داستانها بسیار قابل توجه است. درونمایه این تک‌گوئیا نیز بیشتر اخلاقی و بصورت پند و اندرز دادن به خویش میباشد. برای مثال به این نمونه در مخزن الاسرار میتوان اشاره نمود:

- تک‌گوئیهای انوشیروان با خویش در داستان مقالت دوم (ص ۸۱).

### اطناب هنری در مخزن الاسرار

همانطور که گفته شد یکی از مهمترین شاخصه‌های سبک شعری و خلاف عادت‌های بیانی نظامی، اطناب هنری است. او در پنج‌گنج خویش با درهم‌شکستن قاعده‌های معمول زبانی و خلاقیت و نوآوری در عناصر کلامی در محورهای جانشینی و همنشینی و گزینشهای خاص و هنرمندانه و ناآشنای ادبی که همگی حس زیبایی شناسانه مخاطب را برمی‌انگیزد؛ جدای از هرگونه محتوا گرایی، اصولاً آرمانی جز زیبایی آفرینی و کشف گزاره‌های نوآیین و شگفت از زبان و برانگیختن شعبده‌ای تازه را دنبال نمیکند.

با توجه به اهمیت این موضوع ما در اینجا به بررسی برخی از شیوه‌های زیبایی آفرینی نظامی از رهگذر اطناب هنری بر مبنای مخزن الاسرار میپردازیم.

#### ۱- بیان مطلبی واحد به شیوه‌های گوناگون

یکی از هنریترین موارد اطناب هنری که در پنج‌گنج حکیم نظامی و بطور کلی در آثار دیگر شاعران همعصر او در سده ششم از جایگاه ویژه و بسامد بالایی برخوردار است اطناب حاصل از ادای معانی واحد به طرُق مختلف میباشد. بطوری که این شیوه و شگرد از فراخ سخنی را باید یکی از برجسته‌ترین شاخصه‌های سبکی این گروه از شاعران و از آن میان حکیم نظامی به حساب آورد. «زبان‌آورانی که پیرو این دبستانهای شعریند به درزیانی دانا و استاد میمانند که هر زمان جامه‌ای شاهوار و شگفت بر پیکر اندیشه‌ای فرو میدوزند. اندیشه در سرودهای آنان بدان «بت عیار» مولانا مانده است که هر زمان در رنگی دیگر و نمودی نوتر «به شکلی در می‌آید» تا دل از سخن سنجان و ادب دوستان به دل آرایبی و نگارینی خویش بر باید» (معانی، کزازی، ص ۲۶۴).

اینک نمونه‌هایی از این گونه اطناب در مخزن الاسرار که در آنها اندیشه‌ای واحد با تفاوت‌های روساختی بازگفتی تازه یافته است:

– طلب «بر هم زدن نظام هستی» از سوی خداوند

|                             |   |
|-----------------------------|---|
| پرده برانداز و برون آی فرد  | گو منم آن پرده بهم درنورد                       |
| عجز فلک را به فلک وانمای    | عقد جهان را به جهان واگشای                      |
| نسخ کن این آیت ایام را      | مسخ کن این صورت اجرام را                        |
| حرف زبان را به قلم بازده    | وام زمین را به عدم بازده                        |
| ظلمتیان را بنه بی نور کن    | جوهریان را ز عرض دور کن                         |
| کرسی شش گوشه به هم درشکن    | منبر نه پایه به هم درفکن                        |
| حقه مه بر گل این مهره زن    | سنگ زحل بر قدح زهره زن                          |
| دانه کن این عقد شب افروز را | پر بشکن مرغ شب و روز را (مخزن الاسرار: ص ۹ و ۸) |

– در بیان شکسته شدن دندان پیامبر(ص)

|                             |   |
|-----------------------------|---|
| گوهر او چون دل سنگی نخست    | سنگ چرا گوهر او را شکست؟                        |
| کرد جدا سنگ ملامتگرش        | گوهری از رهگذر گوهرش                            |
| یافت فراخی، گوهر از درج تنگ | نیست عجب زادن گوهر ز سنگ                        |
| آری از آنجا که دل سنگ بود   | خشکی سوداش در آهنک بود                          |
| کی شدی این سنگ مفرح گزای    | گر نشدی در شکن و لعل سالی؟ (مخزن الاسرار: ص ۲۰) |

۲- تکرار

یکی دیگر از موارد اطناب هنری که نظامی در اشعار خود بسیار از آن سود جست است، آرایه تکرار است. «گاهی کلمه‌ای به مذاق شاعر خوش می‌آید و بدون آن که به جهت معنی نیازی به ادامه و مخصوصاً تکرار لفظ باشد، سخن را کش می‌دهد و به تکرار لفظ یا الفاظ می‌پردازد.» (کعبه جان، بوسفی: ص ۴۲). دل‌بستگی نظامی بدین آرایه و بکارگیری و التزام به آن تا بدانجاست که آن را تبدیل به یکی از ویژگی‌های سبکی سخن او ساخته است. نوع کاربرد این آرایه را در مخزن الاسرار میتوان به گونه‌های زیر تقسیم کرد:

## ۲-۱ تکرار یک واژه در یک یا دو بیت

این نوع از تکرار که در علم بدیع نیز انواعی دارد و بیشتر از لحاظ توازن کلام و افزایش موسیقی درونی سخن حائز اهمیت است (نگاه کنید به نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۵۹) از دیدگاه علم معانی، مفید معانی مختلفی همچون: تأکید، اغراء، تحذیر، جلب توجه یا تخیل می باشد. واژه های تکرار شده ممکن است اسم، گروه اسمی، حروف یا فعل باشند.

نمونه هایی از این گونه تکرار در مخزن الاسرار:

|                                 |  |
|---------------------------------|--|
| پرده گشای فلک پرده دار          | پردگی پرده شناسان کار (ص ۲)            |
| کبر جهان گرچه به سر بر نکرد     | سر به جهان هم به جهان در نکرد (ص ۱۳)   |
| دید پیمبر نه به چشمی دگر        | بلکه بدین چشم سر این چشم سر (ص ۱۹)     |
| روز قیامت ز من این ترک تاز      | باز پرسند و پرسند باز (ص ۸۹)           |
| خاک شد آن کس که بر این خاک زیست | خاک چه داند که در این خاک چیست؟ (ص ۸۴) |
| عاجزی وهم خجل روی بین           | موی به موی این ره چون موی بین          |
| بر سر مویی سر مویی بگیر         | ورنه برون آی چو موی از خمیر (ص ۱۲۴)    |
| روز تو را صبح جگرسوز کرد        | چرخست از آن روز بدین روز کرد           |
| گر دل خورشید فرورز آوری         | روزی ازین روز به روز آوری (ص ۱۳۷)      |
| با عدوی خرد مشو خردکین          | خرد شوی گر نشوی خردبین (ص ۱۶۸)         |

## ۲-۲ اعنات یا التزام یا تکرار واژه ای در چند بیت متوالی

این گونه از اطناب در سخن که نظامی سخت دل بستۀ آن است یکی از پر بسامدترین گونه های تکرار در مخزن الاسرار و نیز دیگر آثار اوست. برخلاف زبان غیر ادبی که در آن تکرار از عیوب کلام دانسته میشود، در زبان ادبی این شیوه از تکرار بسیار پر کاربرد است و از جنبه های مختلف قابل توجه میباشد و در واقع دستاویزی است که بیشتر برای به نمایش گذاشتن قدرت قریحه و ابتکار و ابداع شاعرانه بکار میرود و بی شک یکی از شاخصه ها و شگردهایی است که در تبیین و یا سنجش ارزش هنری و ادبی مخزن الاسرار در بحث از زیبایی شناسی سخن بخوبی میتوان از آن سود جست.

### نمونه هایی از اینگونه از تکرار در مخزن الاسرار

کفش دهی باز دهندت کلاه / پرده دری پرده درندت چو ماه



|                                  |                               |
|----------------------------------|-------------------------------|
| تا چو شبت نام بود پرده‌دار       | خیز و مکن پرده دری صبح‌وار    |
| وآن تو این پرده زنبوری است       | پرده زنبور گل سوری است        |
| در دهن این تنه عنكبوت            | چند پری چون مگس از بهر قوت؟   |
| راز تو در پرده نهان داشتند       | پردگیانی که جهان داشتند       |
| لاجرم از پرده برون آمدی          | از ره این پرده فزون آمدی      |
| هرچه نه در پرده سماعش مکن        | دل که نه در پرده وداعش مکن    |
| بر سرت این پرده به بازی نبست     | شعبده بازی که در این پرده هست |
| خارج از این پرده نوائی مزن       | دست جز این پرده به جائی مزن   |
| خلوتی پرده اسرار شو(ص ۱۰۶ و ۱۰۷) | بشنو از این پرده و بیدار شو   |

همچنین شواهد دیگر که برای دوری از اطالۀ کلام آوردن ابیات آن پرهیز میشود: تکرار واژه «گوهر»، «سنگ» و «دندان» در نعت اول در ۱۶ بیت، تکرار واژه «خاک» در نعت چهارم در ۵ بیت، تکرار واژه «گندم» در مقاله اول در ۱۰ بیت، تکرار واژه «زر» در مقاله سیزدهم در ۹ بیت، تکرار واژه «سایه» در مقاله سیزدهم در ۵ بیت.

### ۳- تمثیل

یکی دیگر از برجسته ترین شیوه‌های اطناب هنری در مخزن الاسرار و بطور کلی شاعران قرن ششم استفاده فراوان از تمثیل است

اگرچه بسیاری از تمثیلات نظامی به دلیل شمول و فراگیری، محدود نبودن طیف خوانندگان، استفاده نکردن از اصطلاحات مختلف در آن به شکل مثل سائر درآمده است (چیزی که شاعر همعصرش خاقانی به آن دست نیافته) ولی گاهی نظامی در این شیوه کار را به افراط می کشاند و در مواضعی، بیشتر از ده بیت برای مصراع یا بیت مدعا تمثیلات پی در پی می آورد. هر چند این موضوع در منظومه مخزن الاسرار به چشم نمیخورد ولی در دیگر آثارش کاربرد این اندازه از تمثیلات «همراه با افراط و اصرار فوق العاده ای که در

آوردن تصویرهای مجازی و ترادف تشبیهات و استعارات دارد زبان نظامی را گهگاه به آفت اطناب دچار میکند... معه‌ذا این موارد بسیار نیست.» (بیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، زرین کوب: ص ۲۳۸)

نمونه‌هایی از تمثیلات یک مصرعی یا یک بیتی به کار رفته در مخزن الاسرار:

|                               |                                  |
|-------------------------------|----------------------------------|
| دل که به شادی غم دل می‌گرفت   | چشمه خورشید به گل می‌گرفت (ص ۶۱) |
| موی سیه‌غالیه سر بود          | سنگ سیه‌صیرفی زر بود (ص ۹۵)      |
| دین سره نقدی است به شیطان مده | یاره فغفور به سگبان مده (ص ۱۴۲)  |
| نیست عجب خنده ز روی سیاه      | کابر سیه برق ندارد نگاه (ص ۱۵۹)  |
| مصلحت توست زبان زیر کام       | تیغ پسندیده بود در نیام (ص ۱۶۵)  |

نمونه‌ای از تمثیلات دو یا چند بیتی:

|                               |                                 |
|-------------------------------|---------------------------------|
| سر مکش از صحبت روشندان        | دست مدار از کمر مقبلان          |
| خار که همصحبتی گل کند         | غالیه در دامن سنبل کند (ص ۸۵)   |
| هر نظری را که برافروختند      | جامه به اندازه تن دوختند        |
| رخت مسیحا نکشد هر خری         | محرم دولت نبود هر سری           |
| کرگدنی گردن پیلی خورد         | مور ز پای ملخی نگذرد            |
| بحر به صد رود شد آرام گیر     | جوی به یک سیل برآرد نفیر (ص ۸۸) |
| شحنه این راه چو غارتگرست      | مفلسی از محتشمی بهتر است        |
| دیدم از آنجا که جهان بینی است | کافت زنبور ز شیرینی است         |
| شیر مگر تلخ بدان گشت خود      | کز پس مرگش نخورد دام و دد       |
| شمع ز برخاستنی برنشست         | مه ز تمامی طلبیدن شکست          |
| باد که با خاک به گرگ‌آشتی است | ایمن از این راه ز ناداشتی است   |

(ص ۱۴۲ و ۱۴۳)

### قصه‌های مثل‌گونه یا قصه‌های تمثیلی

گهگاه نظامی در میان سخنان خود در مقالاتها، قصه‌های بسیار کوتاهی در یک یا چند بیت برای استوار داشت اندیشه‌ای بیان میکند که هر چند با توجه به بافت کلی کلام موجب اطناب می‌گردد ولی بخودی خود سخت موجز و در عین حال از دید معانی بسیار حکیمانه است. از سوی دیگر ترفندی است شاعرانه برای رفع یکنواختی سخن و خستگی مخاطب یا رغبت انگیزی و یا به نوعی استراحت ذهنی او. همچنین گاهی وسیله‌ای است برای بیان مطلبی دیگر و طرح اندیشه‌ای تازه. «یک شگرد طرفه در طرز بیان مخزن الاسرار... آوردن قصه‌های کوتاه امثال در طی مقالات تعلیمی است که گفتار گوینده را رنگ بلاغت منبری می‌دهد... در طی مقالات مخزن بارها شاعر این شگرد جالب را که غیر از نقل حکایات

تمثیلی است به کار می‌برد.» (پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، زرین کوب: ص ۶۸). برخلاف حکایت‌های تمثیلی که کمتر میتوان از پیچیدگی و فشردگی در بافت کلام و اندیشه بیان شده در آن سراغی گرفت؛ این قصه‌های کوتاه که بیشتر با درونمایه‌های حکمی، اخلاقی و عرفانی همراه هستند؛ فشرده و تا حدودی نیازمند به شرح و توضیح میباشند.

به این نمونه‌ها در مخزن الاسرار میتوان اشاره کرد:

|                                |                                       |
|--------------------------------|---------------------------------------|
| باز به بط گفت که صحرا خوش است  | گفت شبت خوش که مرا جا خوش است (ص ۱۲۷) |
| محتشمی دردسری می پذیر          | ورنه برو دامن افلاس گیر               |
| کوسه کم ریش دلی داشت تنگ       | ریش کشان دید دو کس را به جنگ          |
| گفت رخم گرچه زبانی فش است      | ایمنم از ریش کشان هم خوش است (ص ۱۵۷)  |
| گر همه عمرت به غم آرد به سر    | از پی تو غم نخورد غم مخور             |
| گفت به‌زنگی پدر این خنده چیست؟ | بر سیهی چون تو بیاید گریست            |
| گفت چو هستم ز جهان ناامید      | روی سیه بهتر و دندان سپید (ص ۱۵۸)     |

### ضرب المثلها

یکی دیگر از شیوه‌های اطناب هنری در مخزن الاسرار بهره‌گیری از ضرب المثل - «قولی کوتاه و مشهور که حالتی یا کاری را بدان تشبیه کنند و غالباً شکل نصیحت‌آمیزی از ادبیات عامیانه است که محصول ذهن عوام و مبتنی بر تجربه‌های عادی زندگی است... و غالباً صورت فشرده یک داستان است.» (رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، پورنامداریان: ص ۱۱۳) - میباشد که همچون دیگر تمثیلات در جای جای این منظومه به فراخور مطلب، از آن برای توضیح و تبیین هر چه بیشتر معانی و اندیشه‌های مطرح شده و ساده کردن موضوع و تجسم آن برای خواننده عادی و عوام، بهره برده شده است. بخشی از این ضرب المثلها - که اغلب از نوع اخلاقی یا تعلیمی است - در حقیقت ساخته و پرداخته خود نظامی است که بعدها به صورت مثل سائر در میان مردم رایج شده و برخی نیز مثلهای مشهوری است که پیش از نظامی در میان مردم و جامعه رایج بوده و او نیز از آنها در اشعار خویش استفاده نموده است.

به این نمونه‌ها در مخزن الاسرار میتوان اشاره نمود:

|                           |                                   |
|---------------------------|-----------------------------------|
| سفره انجیر شدی صفروار     | گر همه مرغی بدی انجیر خوار (ص ۴۴) |
| مونس غمخواره غم وی بود    | چاره گر می زده هم می بود (ص ۶۷)   |
| از پس هر شامگهی چاشتی است | آخر برداشت فرو داشتی است (ص ۱۲۱)  |
| از نوی انگور بود توتیا    | وز کهنی مار شود اژدها (ص ۱۴۹)     |

دوستی از دشمن معنی مجوی      آب حیات از دم افعی مجوی (ص ۱۵۵)  
 قدر به بی خوردی و خوابی در است      گنج بزرگی به خرابی در است (ص ۱۵۷)

#### ۴- توصیف

اینگونه از فراخ سخنی را نیز باید بی هیچ چند و چونی از برجسته‌ترین و مهمترین شاخصه‌های سبکی نظامی در پنج گنج و از آن جمله مخزن الاسرار به شمار آورد. براسستی نظامی از خداوندگاران توصیف در پهنه ادب فارسی است و هیچیک از آثارش از این شیوه اطناب خالی نیست بطوری که اغلب ابیات خمسه را میتوان برای این موضوع به عنوان نمونه و شاهد مثال ذکر نمود. «او همه امور و پدیدارهای ممکن را به وصف میکشد: زیبایی جسمانی و حالات و حرکات اندام یا زشتیها، انواع مناظر طبیعی، ابنیه گوناگون از کاخ‌های برکشیده و دلفریب تا کوخ‌های محقر، دیرهای متروک، اماکن جادویی عجایب و طلسمات، اشیاء تجملی و بزمهای مجلل، جانوران گوناگون و حتی اساطیری گونه...» (آرمانشهر زیبایی، حمیدیان: ص ۵۱).

اگر چه بهترین نمونه‌های توصیف نظامی را باید در دیگر منظومه‌های او جستجو کرد ولی با این حال در منظومه مخزن الاسرار نیز میتوان به نمونه‌هایی اشاره کرد که حاکی از قدرت بی نظیر نظامی در مقوله توصیف است:

#### -توصیف شب

چون سپر انداختن آفتاب      گشت زمین را سپرافکن بر آب  
 گشت جهان از سپرش تنگتر      از سپر او سپرگ رنگتر  
 با سپر افکنیدن او لشگرش      تیغ کشیدند به قصد سرش  
 گاو که خر مهره بدو درکشند      چونکه بیفتد همه خنجر کشند  
 طفل شب آهیخت چو در دایه دست      زنگله روز فرا پاش بست  
 از پی سودای شب اندیشه‌ناک      ساخته معجون مفرح ز خاک  
 خاک شده باد مسیحای او      آب زده آتشش سودای او  
 شربت و رنجور به هم ساخته      خانه سودا شده پرداخته  
 ریخته رنجور یکی طاس خون      گشته ز سر تا قدم انقاس خون  
 رنگ درونی شده بیرون نشین      گفته قضا کان من الکافین (ص ۴۵ و ۴۶)

#### - وصف طبیعت

غنچه به خون بسته چو گردون کمر      لاله کم عمر ز خود بی خبر  
 از چمن انگیخته گل رنگ رنگ      وز شکر آمیخته می تنگ تنگ

بید به لرزه شده بر جان خویش  
دیدۀ نـرگس درم دامـنش  
یکنفسه لاله و یکروزه گل (ص ۱۳۰)

خرمن مه را چو قصب سوخته  
تا قدم از فرق نمک یافته  
هر که درو دید نمک ریز شد  
شکر شیرین نمکان ریخته  
چون سر طوطی ز نخش طوقدار  
توبه فریبی چو مل دوستان  
خشک نباتی همه جلاب تر (ص ۵۹)

پیشترین بشـری زادگان  
چون علم افتاده و برخاسته  
«خمر طینه» شرف خاک او  
هم محک و هم زر و هم صیرفی  
نـوخط فرد آینه خاکیان  
مغز دو گهر به هم آمیخته  
محتسب و ساقی روحانیان  
پیر چهل ساله بر او درس خوان (ص ۷۰ و ۷۱)

گل چو سپر خسته پیکان خویش  
زلف بنفشه رسن گردنش  
لاله گهر سوده و فیروزه گل

#### - وصف زیبایی معشوق

فتنه آن ماه قصب دوخته  
تا کمر از زلف زره ساخته  
دیدن او چون نمک انگیز شد  
تا نمکش با شکر آمیخته  
طوطی باغ از شکرش شرمسار  
مست نوازی چو گل بوستان  
سرخ گلی سبزتر از نیشکر  
- در صفت حضرت آدم

بازپسین طفل پری زادگان  
آن به خلافت علم آراسته  
«علم آدم» صفت پاک او  
آن به گهر هم کدر و هم صفی  
شاهد نو فتنه افلاکیان  
آن ز دو گهواره برانگیخته  
پیشکش خلعت زندانیان  
طفل چهل روزه کژمژ زبان

#### نتیجه

اگرچه تحلیل مسایل و عناصر بلاغی آثار شاعرانی همچون حکیم نظامی به واسطه برخورداری آن از یک ساختار هنری در هم تنیده و منسجم و سخت استوار، بسیار دشوارتر و در عین حال گسترده‌تر از آن است که بتوان جداگانه و در قالب یک مقاله کوتاه بصورت کامل به آن پرداخت؛ با این حال در این مختصر سعی بر آن بود تا یکی از اساسی‌ترین مختصات سبکی شعر نظامی به صورت موجز و مجزا مورد بررسی قرار گیرد. لذا آنچه گفته شد تنها مربوط به یکی از ویژگیهای زبان ادبی نظامی در مخزن الاسرار میباشد و این در حالی است که بررسی این شگرد ادبی یعنی اطناب؛ در پیوند با دیگر عناصر ادبی، نه تنها در این منظومه اعتبار خاصی دارد بلکه در تمام آثار دیگر نظامی قابل تأمل است.

از میان دو گونه اطناب اگرچه آنچه که در مخزن/الاسرار کاربرد بیشتری دارد مربوط به اطناب هنری است ولی با این حال اطناب ممل نیز در آن به چشم میخورد که این دقیقاً به دلیل محتوای اخلاقی و دینی این منظومه در مناجات‌ها و نعت‌های پنجگانه و نیز مقالات‌های بیستگانه از یکسو و درونمایه عرفانی و کشف و شهودهای عارفانه در خلوت‌های شبانه و پرورش و شناخت دل از سوی دیگر است.

در مورد اطناب هنری نیز باید گفت اگرچه تمام شگردهای آن در این منظومه کاربرد دارد و بخصوص شیوه اعنات یا التزام با بسامد بسیار در جای‌جای این اثر به فراخور موضوع و مقام سخن به چشم میخورد؛ اما از میان شیوه‌های اطناب هنری همانطور که از شواهد پیداست؛ شگرد توصیف در مقایسه با دیگر شگردها از جایگاه و بسامد ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

در پایان به این نکته نیز باید اشاره داشت که اگرچه این مختصات در آثار دیگر شاعران نیز بکار رفته است ولی با توجه به بسامد بالای آن در پنج‌گنج - و از آن میان مخزن/الاسرار- باید آن را از شاخصه‌های سبکی نظامی بدانیم. که تنها خاقانی شروانی سخنور سترگ هم‌عصرش در این امر با او همسان و قابل قیاس می‌باشد.

## منابع

- آرمانشهر زیبایی، حمیدیان، سعید (۱۳۸۸)، تهران: نشر علم و دانش، چاپ دوم.  
 از رنج گل تا خار، سرامی، قدمعلی (۱۳۸۲)، تهران: علمی و فرهنگی.  
 اسرارالبلاغه، جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۰)، ترجمه جلیل تجلیل، انتشارات دانشگاه تهران.  
 بلاغت تصویر، فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۸۵)، تهران: نشر سخن.  
 بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۷۹)، تهران: نشر فردوس.  
 پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد، زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)، تهران: نشر سخن، چاپ ششم.  
 حماسه سرایی در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹)، تهران: امیرکبیر.  
 خاقانی شاعری دیر آشنا، دشتی، علی،  
 درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، حمیدیان، سعید (۱۳۷۲)، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.  
 در سایه آفتاب، پورنامداریان، تقی (۱۳۸۸)، تهران: نشر سخن.  
 دیوان اشعار، خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۱۳۵۷)، مصحح ضیاء الدین سجادی، تهران: زوآر.  
 رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵)، تهران: علمی فرهنگی.

- زیبایی شناسی سخن (معانی)، کزازی، میرجلال الدین (۱۳۸۰)، نشر مرکز، چاپ پنجم.
- سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، تهران: نشر میترا.
- فرخی سیستانی، یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۳)، تهران: علمی.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین (۱۳۶۸)، تهران: نشر هما، چاپ ششم.
- کعبه جان، یوسفی، حسینعلی (۱۳۷۶)، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، تهران: نشر فردوس، چاپ ششم.
- گزیده اشعار منوچهری دامغانی، امامی افشار، احمدعلی (۱۳۶۸)، تهران: نشر بنیاد.
- مخزن الاسرار، نظامی گنجوی (۱۳۷۹)، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.
- معانی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۷)، تهران: نشر میترا.